

(این‌ها قرآن یهدی للتی هی أقوم ویبشر المؤمنین الذین یعملون الصالحات أن لهم أجرا کبیرا) الإسراء (۹).

قرآن پاک گنجینه ایست که هر تشنه‌ای را فراخور حال او سیراب می‌سازد و هر جوینده‌ی رابسوی حقیقت‌های انکارناپذیر هدایت می‌کند. این معجزه‌ی جاویدانی هر چند صدها سال از نزول آن می‌گذرد، هنوز جاوید زمان است. تا امروزه هیچ‌گونه حقیقت ثابت علمی که با اندیشه‌های قرآنی مغایرت داشته باشد در جهان بروز ننموده و نخواهد کرد، بلکه انسان امروزی به هرواقیعت که پی میبرد ریشه‌های آنرا در قرآن پاک می‌یابد.

امروزه کشف سلسله‌ی اعجاز این کتاب در ابعاد مختلف علمی، بلاغی، ادبی، اجتماعی، فرهنگی، تربیتی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی، جهان‌بینی و خلقت شگفت‌انگیز انسان اشارات علمی و عمیق بکاررفته است و این موارد هر عقل سلیم و متفکری را متقاعد می‌سازد که این کلام، ساخته و پرداخته بشری نبوده بلکه از طرف ذات آگاه مطلق که بر همه اسرار جهان واقف می‌باشد نازل گردیده است. قرآن اختصاصاً در مورد علم و یایک رشته‌ی خاص علمی نازل نگردیده است و چنین انتظاری هم نباید از قرآن داشت، بلکه قرآن کتاب زندگی و چراغ هدایت و ایمان بشریت است و رهنمودها و قوانین آن همه عرصه‌های زندگی انسان را دربر می‌گیرد. وقتی می‌خوانیم که ابتلا به سرطان می‌تواند از اثر استفاده از مسکرات باشد، علت ابتلا به بیماری ایدز در اثر برقراری روابط نامشروع جنسی، و امراض دندان‌ها در اثر اهمیت ندادن به بهداشت دندان‌ها و..... می‌باشد و قرآن پاک همه این موارد را به شدت منع می‌کند، ایمان پیدا می‌کنیم که الحق این کتاب آسمانی دعوتیست خالصانه برای ساختن یک جامعه نمونه کامل انسانی می‌باشد که خیر و سعادت دنیا و آخرت را برای پیروانش به ارمغان می‌آورد.

امام‌تاء سفانه در طول تاریخ بودند کسانی که بنابه علت‌های شوم و جاهلانه از درست‌یز با قرآن درآمده و آنقدر برین جهالت خود اصرار ورزیدند که خداوند (ج) بر قلوب، گوش‌ها و چشم‌های آنها پرده نهاده که نه حقیقتی را در می‌یابند و نه ره هدایتی را نصیب می‌شوند. این گروه مردمان (در اثر امراض باطنی که دارند) همواره در خیال خام خویش بوده و می‌پندارند می‌توانند آیات قرآن را نیز چون تورات و انجیل تغییر دهند و ازین راه منافع شوم شان را تاءمین نمایند و همواره در پی بهانه‌جویی در آیات متشابهات قرآن هستند.

خودقرآن ازین دسته مردمان زبون یاد میکند:

وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ

و ابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَرَاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذْكُرُ إِلَّا أُولُو الْأَبَابِ ○ (سوره آل عمران آیه

(۷)

& و او کسی است که این قرآن (آسمانی) را بر تو نازل کرد که قسمتی از آن آیات محکمت (آیات صریح و روشن) است که اساس این

کتاب میباشد (و هر گونه پیچیدگی با مرجعه به این آیات برطرف میگردد) و قسمت دیگر آیات متشابه است (آیاتی که برای بالابردن سطح

مطلب وجهات دیگر، در نگاه اول احتمالات مختلفی در آن میرود ولی با توجه به آیات محکمت مطلب آن دریافت میگردد) اما آنها یکه

در قلوب آنها انحراف است بدنبال تشابهاتند تا فتنه انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند) و تفسیر نادرستی از آن میطلبند در حالیکه

تفسیر آن را جز خدا و راسخان در علم (کسانی که در فهم قرآن در پرتو آیات الهی اندیشه میکنند) نمیدانند و میگویند ما به ایمان همه آوردیم

اینها همه از طرف پروردگار ماست و جز صاحبان خرد و اندیشه متذکر نمیشوند (مطلب آیات را درک نمیکنند).

و قرآن اینگونه تلاش های مغرضانه شان را مهرباطل میزند:

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلُ الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ○

& و ما قرآن را فرستادیم و ما آنرا حفظ میکنیم.

برای کسب معلومات بیشتر پیرامون آیات محکمت و متشابهات و انگیزه های ستیز با قرآن به بخش "اندیشه و تفکر" مرجعه نمایید.



دیدگاه غربیان در مورد قرآن:

ورژیل گیورکیو:

در هیچ یک از ادیان بزرگ تا این حد (به اندازه تاءکید قرآن) برای معرفت ارزش و اهمیت قائل نشده اند. قرآن چنان از معارف الهی سرشار است که بشر هر چه بشتر در عرفان و فلسفه پیشرفت کند به همه اسرار آن احاطه پیدا نخواهد کرد.

سومار:

قرآن علاوه بر اینکه یکی از لطیف ترین کتب ادبی است، مکمل قوانین اخلاقی، کشوری، لشکری و اجتماعی است.

کارایل (مورخ و اندیشمند معروف انگلیس):

اگر یکبار به این کتاب مقدس نظر افکنیم حقایق برجسته و خصایص اسرار وجود، طوری در مضامین و جوهره آن پرورش یافته که عظمت و حقیقت قرآن به خوبی از آنها نمایان میگردد و این خود مزیت بزرگی است که فقط برای قرآن اختصاص یافته و در هیچ کتاب علمی، سیاسی و اقتصادی دیگر دیده نمیشود.

گوته (فیلسوف و شاعر بزرگ آلمانی):

قرآن اثری است که (احیاناً) به واسطه سنگینی عبارات، خواننده در ابتدا رمیده میشود و سپس مفتون جاذبه آن میگردد و بالاخره بی اختیار شیفته زیبایی های متعدد آن میشود.

سنایش:

بی گمان قرآن همان قانون کامل و همگانی است که باطل نه از روبه رو، و نه از پشت سر به هیچ وجه نمیتواند در آن راه یابد. این کتاب شایسته و بایسته هر زمان و مکان است. اگر مسلمانها چنانچه سزاوار است به آن متمسک شوند بوجه تعالیم و احکامش عمل کنند، آقای عموم اقوام و ملل خواهند شد، همچنانکه در گذشته بودند.

راکستون اسکاتلندی:

سالیان دراز در جستجوی حقیقت بودم تا اینکه حقیقت را در اسلام یافتم. پس قرآن عظیم را دیدم و شروع به مطالعه آن نمودم تمام سوالاتم را این کتاب جواب گفت. قرآن ابهت و ترس را در انسان الهام میکند و در عین حال ثابت میماند که هر چه میگوید حقیقت است.

هربرت جرج ونو:

مهمترین کتاب دنیا قرآن است. چون تائثیری که این کتاب آسمانی در دنیا کرده، نظیر آنرا هیچ کتابی نداشته است. قرآن کتاب علمی، دینی، اجتماعی، اخلاقی و تاریخی است و برای همیشه مقررات و قوانین و احکام آن با اصول قانونی امروز هماهنگ است.

گلادستون:

گلادستون سیاستمدار انگلیسی قرآن را به مجلس عوام برد و گفت: "تا این کتاب الهی باشد، سیادت و برتری انگلیستان در ممالک اسلامی محال است".

آری تنها کتابی که از هر جهت کامل بوده و هیچ نقصی در آن موجود نبوده و در طول اعصار متمادی از تغییر و تبدیل و ویرایش مطالب پاک بوده همین قرآن است، کتابی که چون آفتاب درخشنده بر زندگی انسان نورافشانی نموده، سرچشمه علم و معرفت که در همه وقت برای هر موضوع گفتنی تازه ای دارد، حرف های آن کهنه گی ندارد و هر چند خواننده آن را بارها بخواند باز پیام تازه ای از آن دریافت میکند، گنجینه علمی که انسان هر چیزی را تازه کشف میکند ریشه آن اختراع و مطلب را در قرآنی که صدها سال پیش برای هدایت انسانها نازل گردیده میابد، جاویدان کتابی که تاقیامت مخالفینش را به رقابت میطلبد اما هیچکس را توان مقابله با آن رانیست و نخواهد بود.

آری قرآن نه درحد یک کتابست، دریائست بلکه ازدریاهم بزرگتر، جهانیست بلکه ازجهان هم وسیعتر، چه سوالی نیست که کلید حلش درقرآن نباشد.

..... و این هم برگ های سبزی از چمن سرسبز و همیشه بهاری قرآن:

رنگ سبز سمبول اسلام:

قرآن پاک درآنجا که به توصیف اهل بهشت پرداخته بارها از رنگ سبز سخن بمیان آورده است، جای که ساکنانش در آرامش روحی، امنیت، وجد و سرور در سایه نعمات الهی بسر میبرند:

متکین علی رفرف خضرو عبقری حسان ○ (سوره الرحمن ۷۶)

جاییکه بهشتیان (باحوران) بر تخت های تکیه زده اند که با بهترین و زیباترین پارچه های سبزرنگ پوشانیده شده است.

علیهم ثياب سندس خضر و استبرق وحلوا اساوره من فضّه وسقهم ربههم شراب طهورا ○ (سوره انسان ۲۱)

و بر بالای بهشتیان دیبای (جامه ای رنگارنگ) سبز و حریر استبرق و بردستهای شان دستبند نقره فام و خدای شان شراب پاک و گوارا بنوشاند.

و یلبسون ثياب خضر آمن سندس و استبرق ○ (سوره کهف ۳۱)

و لباس های سبز حریر و دیبا پوشند.

به همین چند نمونه اکتفاء نموده و بحث را ادامه میدهیم:

یکی از روانشناسان بنام "اردشام" میگوید: تاءثیر رنگ ها بر انسان خیلی عمیق میباشد.

آزمایشات نشان میدهد که رنگ هامیتواند تاءثیر عمیقی بر تصامیم و دیدگاه های انسان بوجود آورد همچنان رنگ هامیتواند احساس گرما و

سرما، شادی و اندوه را در انسان آورده و بر شخصیت انسان و دیدگاه او نسبت به زندگی تاءثیر بگذارد. بدلیل اهمیت تاءثیر رنگ ها هم اکنون

برای رنگ دیواره های شفاخانه ها از متخصصین استفاده میکنند همچنین لباس های بیماران را نیز متخصصین انتخاب مینایند.

آزمایشات نشان داده است که رنگ هاباعث تحریک دستگاه عصبی میشود:

رنگ ارغوانی آرامش بخش میباشد.

رنگ آبی باعث میشود انسان احساس سرما کند.

رنگ سرخ گرمابخش میباشد.

امارتنگی که باعث ایجاد سرور و عشق به زندگی در دلها میشود "رنگ سبز" میباشد چون بهار سبز باعث

آرامش روح و روان انسان میشود. بهمین دلیل رنگ لباس دکتوران و نرس های اطاق عملیات نیز سبز میباشد. جلب است بدانیم

از موقیعی که رنگ پل "بلک فرایر Black forayer" در لندن که آنرا بنام "پل انتحار" لقب داده بودند از سیاه به سبز تغییر یافت

آمار خودکشی درین شهر بسیار پائین آمده است.

رنگ سبز برای چشم ها خوشایند و آرامش بخش بوده چون از طول موج متوسطی برخوردار میباشد، نه مانند طول موج رنگ سرخ

بلند است، و نه هم مانند طول موج رنگ آبی پایین میباشد.

اثر انگشت:

کفار و مشرکین عرب حیات دوباره انسان بعد از مرگ را تکذیب نموده و اظهار میداشتند که امکان ندارد استخوان های بدن انسان پس از مرگ

و خاکستر شدن دوباره زنده شود. قرآن پاک در جوابشان این چنین محکم این مسئله را بیان میکند:

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ لَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ ۖ بَلَىٰ قَدَرِينُ عَلَىٰ أَنْ نَسُوِيَ بَنَانَهُ ۚ (سوره قیامت ۳-۴)

آیا انسان گمان میکند که نمیتوانیم دوباره استخوانهایش را جمع نماییم؟، در حالیکه قادریم دوباره انگشتانش را به حالت اولش برگردانیم.

اما نکته قابل تأمل همینجاست که چرا خداوند بزرگ (ج) از میان آنهمه شگفتیهای آفرینش انسان به حالت اول برگرداندن بنان (نوک

انگشتان) اشاره میکند نه به سائر اعضای بدن، آیا نوک انگشتان از ساختمان مغلق و پیچیده سیستم عصبی، قلب، عروق،

استخوانها و هم پیچیده تر است؟!

دانش بشری در قرن نهم به راز اثر انگشت پی برد و متوجه گردید که سرانگشتان از خطوط برجسته و پست بصورت مارپیچ در پوست

تشکیل شده است. نحوه امتداد این خطوط در افراد متفاوت میباشد طوری که این خطوط حتی در دوقلوها هم شباهتی باهم ندارد و در تمام

دنیا و نفر هم پیدا نمیشود که اثر انگشت آنها مشابه به یکدیگر باشد.

خطوط سرانگشتان در ماه چهارم حیات داخل رحمی شکل گرفته و تا پایان عمر تغییر نخواهد یافت. ممکن دو اثر انگشت تاحدودی باهم

شباهت داشته باشند ولی هیچگاه باهم مطابقت نمیکند. بهمین دلیل اثر انگشت هر فرد معرف شخصیت شخص میباشد طوری که

در تحقیقات جنائی برای کشف هویت مجرمین و دزدان از اثر انگشت استفاده میشود.



شاید رمز اشاره قرآن پاک به خلقت دوباره خطوط سرانگشتان همین باشد که به انسانها بفهماند که خداوند متعال قادر است ویژگی

های فردی اشخاص را هم که باعث فرق آنها از دیگران میشود رانیز دوباره خلق نماید چه رسد به جسم انسانها، و همین اشاره برای

انسانهای عاقل کافیست تا حقایق را دریابند.

سوختگی ها و احساس درد:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كَلَّمَا تَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (سوره نساء ۵۶)

آنانیکه به آیات ماکفوروزیدند به زودی ایشان را به آتش دوزخ میاندازیم، هرچه پوست تن آنها بسوزد به پوست دیگر مبدلش سازیم تا سختی عذاب را بچشند و خداوند توانا و حکیم (از روی حساب کیفر میدهد).

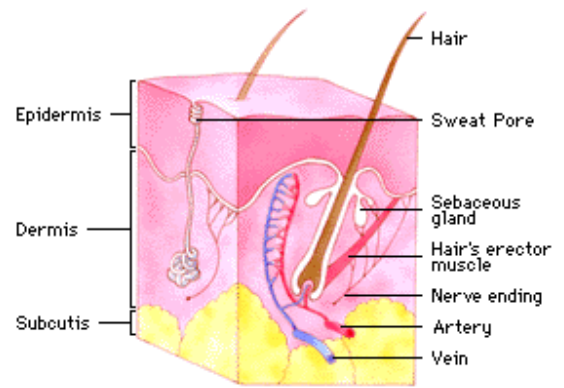
کالبدشگافی یا تسلیخ میکروسکوپی نشان میدهد که پوست عضویت پوشیده از بافت های عصبی بوده که این انساج عصبی انواع اطلاعات حسی را بوسیله نهایات آزاد عصبی از تمام محیط خارج جماوری کرده و به مغز میفرستد. این نهایات عصبی در تمام قسمت های پوست وجود دارد و احساس های از قبیل درد، گرمی، سردی و فشار را به مغز منتقل میکند.

میزان حساسیت قسمت های داخلی پوست به عکس العمل های خارجی از قبیل فشار، بیشتر از قسمت های بیرونی پوست است ولی حساسیت این قسمت هانسیبت به درد، حرارت و لمس کمتر از قسمت بیرونی پوست میباشد بهمین دلیل در هنگام زرقیات در ابتدای تزریق شخص احساس دردمینماید اما هرچه سوزن داخلتر می رود درد کمتری احساس میشود.

در مورد سوختگی ها شخص سوخته شده دچار درد شدیدی میگردد زیرا آتش نهایات عصبی پوست را که ناقل دردهستند تحریک میکند و همچنین اعصابیکه مسئول گرفتن حرارت در پوست درونی هستند و بنام اندام های "Raffini" یاد میشوند رانیز تحریک میکند.

درد سوختگی هنگامیکه از پوست درونی تجاوز نماید به اوج خود میرسد که بنام سوختگی درجه سوم یاد میشود. وقتیکه سوختگی از پوست گذشت و به دیگر اندام رسید از درد آن کاسته میشود. بدین ترتیب مشاهده نمودیم که خداوند بزرگ درین آیه نورانی به چه زیبایی

از اهمیت و رول پوست در انتقال درد بخصوص سوختگی یاد مینماید...



زخم بستر Sore bed:

یکی از سوره های قرآن پاک سوره "کهف" میباشد که درین سوره داستان اصحاب کهف- مجموعه از جوانان بالیمان که ازدست ظلم حاکمان جبار وقت فرارنموده و در دره کوهی درپناه خدای بزرگ مدت ۳۰۹ سال را درخواب آرمیدند تا قدرت و تقدیر والای خداوند رابینند و آیتی باشند برای آنانیکه در قدرت لایزالی او تفکر میکنند- در یکی از آیات این سوره متبرکه میخوانیم:

و نقلبهم ذات الیمین و ذات الشمال ○ (سوره کهف ۱۸)

و ما آنها را به پهلوئی راست و چپ میگردانیدیم.

یکی از بیماری های صعب العلاجی که درشفاخانه ها به آن مواجه هستند، زخم های ناشی از عدم تحرک برخی از بیماران است که بالاجبار به یک حالت و برای مدت طولانی در بستر میمانند مانند: شکستگی های لگن خاسره، ستون فقرات، فلج ها و غیره..... علت بروز اینگونه زخم ها سلول های پوستی و انساج واقع در زیر آن بدلیل نرسیدن خون به آنهاست زیرا درین حالت برخی از نقاط بدن در میان دو طبقه سخت یعنی استخوان ها و رختخواب قرار میگیرد و خون به آنها نمیرسد که مشهورترین این نقاط عبارتند از: سرین، کتف ها و بجلک پاها.

برای پیشگیری از زخم‌های راهی به جز برگرداندن مریض در هر دو ساعت به یکطرف وجود ندارد. اگر مریض مدت بیشتر از ۱۲ ساعت رابه یک حالت بخوابد زخم‌های مرحله اول تشکل را آغاز مینمایند. امروزه یکی از وظایف عمده نرس هادرشفاخانه ها کاملاً پیشگیری از همین زخم‌ها میباشد.

شاید یکی از حکمت‌های برگرداندن اصحاب کهف به راست و چپ که درین آیه مبارکه تذکر رفته همین مسئله باشد هرچند تمام داستان شگفت انگیز اصحاب کهف معجزه و درس‌های معنوی و سرمشق برای جوانان امروزی میباشد تا جوانان بیدار مانده و مسئولیت اصلاح را فراموش ننمایند.

کوتاه ترین مدت حاملگی:

پیش از آنکه دانش بشری اثبات کند که حداقل زمان لازم برای بارداری شش ماه میباشد، قرآن پاک این مطلب را بصورت واضح و روشن بیان نموده است:

حملته امه کرهأ و وضعته کرهأ و حمله و فصالة ثلاثون شهراً ○ (سوره احقاف ۱۵)

مادر بارنج وزحمت اورا حمل کرد و باز بادرد و مشقت اورا وضع کرد و سی ماه تمام مدت حمل و شیرخوارگی بود. و در جای دیگر میفرماید:

والوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین لمن اراد ان یتم الرضاعة ○ (سوره بقره ۲۳۳)

مادران باید دو سال کامل فرزندانشان را شیر دهند آنکه خواهد برای فرزندش دوران شیرخوارگی تمام کند.

بدین ترتیب اگر دوران رضاعت یا شیردهی را که دو سال تمام است از کل دوره بارداری و وضاعت کم کنیم، شش ماه برای دوره حاملگی یا بارداری میماند و این کمترین مدتی است که نوزاد پس از تولد میتواند زنده بماند.

روایت شده است که مردی بازنی ازدواج کرد و آن زن بعد از شش ماه فرزندی بدنیا آورد. خلیفه مسلمین حضرت عثمان (رض) فکر کرد که این زن قبل از ازدواج مرتکب زنا شده است و میخواست حد شرعی را درباره آن زن اجرا نماید. ابن عباس (رض) که در مجلس حاضر بود اظهار داشت این آیه شریفه را تلاوت نموده و از آن استناد نمود که این زن بیگناه بوده و یک نوزاد میتواند در شش ماهگی هم تولد شود. لذا آن زن تبرئه شد.

امروزه طب نوین نیز به همین نتیجه رسیده است یعنی اگر جنین شش ماه در رحم مادر باشد پس از تولد زنده خواهد ماند. این چنین اطفالی را که در فاصله بین ۶ - ۹ ماهگی تولد شوند را اطفال " زود رس یا Premature " میگویند و این اطفال تحت مراقبت های ویژه زنده خواهند ماند، تولد کمتر شش ماه را سقط میگویند.

غذا را با میوه آغاز نمایید!

خداوند بزرگ (ج) در قرآن پاک خوردن میوه را بر گوشت مقدم داشته است:

وفكهة مما يتخيرون ○ ولحم طير مما يشترون ○

و میوه ' که از هر نوع خواهند انتخاب کنند، و از گوشت مرغان که مایلند.

وآمدنهم بفكهة ولحم مما يشترهون ○

و بر بهشتیان از هر نوع میوه و گوشت که مایل باشند بپذیریم.

پیامبر بزرگوار اسلام (ص) فرموده اند " اگر کسی از شما خواست افطار کند پس با خرما افطار کند زیرا این کار برای او برکت خواهد داشت ".

خوردن میوه قبل از وعده های غذایی در بر گیرنده فواید بسیار است. میوه دارای موادی ساده و سهل الهضم بوده که به سرعت جذب

بدن میشود. زیرا امعاء این موادی ساده را در مدت بسیار کوتاه (که از چند دقیقه تجاوز نمیکنند) جذب می نماید و موجب برطرف شدن

عوارض گرسنگی و نیاز بدن به موادی می شود.

اگر کسی معده اش را از انواع مختلف غذاها انباشته کند حداقل ۳ ساعت طول میکشد تا مواد قندی موجود در غذا جذب بدن شود و عوارض گرسنگی نزد این افراد طولانی ترمیگردد. مواد قندی ساده علاوه بر سهل الهضم بودن، منبع انرژی مناسب برای تمام سلول های بدن میباشد. سلول های دیواره امعاء از جمله سلول های هستند که مواد قندی را بسرعت استفاده مینمایند. پرز های امعاء پس از دریافت مواد قندی آمادگی پیدامیکنند تا وظیفه خود را در جذب سائر مواد غذائی مفید به نحو احسن انجام دهند.

شاید یکی از حکمت های تقدم میوه بر سائر غذا همین نکته باشد.

شنوائی و بینائی:

کلمات سمع(شنیدن) وبصر(دیدن) در کناریکدیگر ۱۹ مرتبه در قرآن پاک ذکر گردیده که در ۱۷ مورد کلمه سمع قبل از بصر آمده که بشر تاچندی پیش از راز و حکمت این مسئله آگاه نبود.

وهوالذی انشاء لکم سمع والابصر والافتده..... (سوره نحل ۷۸)

إن السمع والبصر والفؤاد..... (سوره اسراء ۳۶)

وجعل لکم السمع والابصار والافتده..... (سوره نحل ۷۸)

واقعیت اینست که هر دو عضو یعنی گوش و چشم از حواس گرانبها و مهمی هستند که انسان بوسیله آنها میتواند با علم خارج ارتباط برقرار کند، امور ادراکی را دریابد و اشیا را از هم فرق داده و با آنها آشنا شود. لکن در قرآن مجید آوردن لفظ شنوائی قبل از بینائی تقریباً بصورت یک قاعده در آمده است.

باتوجه به یافته های علمی میتوان علت این امر را چنین توضیح داد:

حس شنوائی در جنین قبل از بینائی فعال میشود. دانشمندان با ارسال فریکانس های صوتی بطرف زن بارداری که آخرین روزهای مدت بارداری را میگذرانند مشاهده کردند که جنین با انجام حرکاتی به این اصوات پاسخ میدهد.

فراگیری نطق در درجه اول از طریق شنوائی انجام میگیرد. بطوریکه اگر طفل ناشنوا بدنیآید یاد گرفتن تکلم برایش ناممکن میباشد که این مسئله میتواند باعث تاخ عقلی و ادراکی (عقب ماندگی ذهنی) گردد. در حالیکه افراد زیادی نابین متولد گردیده اند ولی توانسته اند مدارج عالی علمی را کسب کنند و حتی نوآوری داشته باشند.

کسیکه شنوائی اش را قبل از تکلم از دست داده باشد قادر به تکلم نخواهد بود.

سخن گفتن وسیله ایست برای ایجاد ارتباط با اشخاص ماحول و هماهنگی با محیط خارجی و توسط سخن گفتن شخص میتواند ابراز وجود کند و نیازهایش را بیان کند. اگر سیستم شنیدن ناقص باشد شخص تکلم کرده نمیتواند و این برای شخص خیلی دردآور و ناتوان کننده میباشد. امروزه متخصصین معیوبیت ها نوع معیوبیت ناگویائی (که همواره همراه با شنوائی میباشد) را سخت ترین نوع معیوبیت ها میدانند.

چشم مسئل بینائی است. اما گوش علاوه از شنوائی وظیفهء موازنه و تعادل را نیز دارا میباشد.

شاید حکمت های دیگری نیز در تقدم سمع بر بصر موجود باشد که دانش بشری هنوز قابلیت درک آنرا نداشته است.

بیماری های ارثی:

خداوند بزرگ (ج) در مقام تحریم ازدواج با بستگان نزدیک میفرماید:

حرمت علیکم امهتکم و بناتکم و اخوتکم و عمتکم و خلتکم و بنات الاخ و بنات الاخت و امهتکم التي ارضعنکم و إخوانکم من الرضاعه

..... (سوره نساء ۲۳)

حرام شد بر شما ازدواج با مادر، دختر، خواهر، عمه، خاله، دختر برادر، دختر خواهر، مادران رضاعی و خواهران رضاعی.....

درباره منع ازدواج های نزدیک فامیلی و یا غیرمحرّم قرآن تأکید زیادی دارد و در جای دیگر فرموده " بایگانگان ازدواج کنید و بایگانان پدری و سائر اقربای نزدیک ازدواج نکنید تا باعث پستی نسل تان نگرددید".

ازدواج های نزدیک فامیلی ممکن باعث ظهور صفات مریضی پنهان شود در حالیکه میتوان این صفات را با ازدواج با اقربای دورویگانه پراکنده و تضعیف نمود. ازدواج های نزدیک فامیلی باعث فساد نسل گردیده ممکن منجر به کاهش نسل و عقیم شدن تمام افراد یک فامیل در طول زمان گردد.

آنچه امروز تحقق یافته است اکثریت بیماری های از قبیل: دیابت، ناشنوایی، کری دسته جمعی در یک فامیل، اکثریت معیوبیت ها،

Mongolism و..... در میان ازدواج های نزدیک فامیلی دیده میشود. این بیماری ها نزد یهودیان بدلیل عدم اختلاط با دیگر اقوام

بشری بیشتر به چشم میخورد..

آمار بدست آمده نشان میدهد که بیشتر کودکان ناقص الخلقه حاصل ازدواج های نزدیک فامیلی هستند هر چند تفسیر دقیق و ثابت وجود ندارد که علت تمام این عارضه ها را بصورت دقیق وقاطع بیان نمیدانیم اما موارد ازدواج های نزدیک فامیلی خطر ابتلا را افزایش میدهد.

تعیین جنس جنین:

تخمه القاح یافته که قرار است جنس جنین را تشکیل بدهد شامل ۲۲ جفت کروموزم عادی و یک جفت کروموزم جنسی است. این

کروموزم ها از اشتراک تخمه زن (که همیشه دارای ۲۲ کروموزم عادی و یک کروموزم جنسی X میباشد) و نطفه مرد که (که دارای ۲۲

کروموزم عادی و یک کروموزم جنسی Y و یا X میباشد) تشکیل میشود. نیمی از نطفه مرد را کروموزم های جنسی (Y) و نیمی

دیگر را کروموزم های جنسی (X) تشکیل میدهد اما تخمه زن همواره حامل کروموزم جنسی (X) میباشد.

اگر تخمه با کروموزم جنسی (X) یکجاشود، جنین دختر خواهد بود و اگر با کروموزم جنسی (Y) یکجاشود پسر خواهد بود.

$X + X = \text{دختر}$

$$y = X + \text{پسر}$$

بدین ترتیب پی میبریم که این نطفهء مرد است که جنس جنین را تعیین میکند. این درست همان چیز است که قرآن چهارده قرن پیش آنرا بیان نموده است:

وَأَنَّهُ خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ۚ مِنْ نَظْفَةٍ إِذَاتْمَنِ ۖ (نجم - آیه ۴۵ و ۴۶)

و او خلق را برای انس گرفتن باهم بصورت جفت، مرد وزن آفریده، از نطفهء که از مردان به زنان میریزد.

و متأسفانه مردان بسیاری بوده اند که ندانستن موضوع آنها را وادار به جدائی از همسرانشان نموده صرفاً بخاطر اینکه دختر میزائیده اند. زن همانند زمین مستعدیست که هر چه در آن کاشته شود میرویانند. در سوره مبارکه بقره به همین موضوع اشاره شده است:

نِسَاءُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ ۖ

زنانتان کشتزار شما هستند، از هر سو خواهید به کشتزارتان درآیید.

حکمت اناتومیکی یک عصب:

درباره پوشش عصبی زبان، علمای کالبدشناسی یا آناتومی به این نتیجه رسیده اند که پرزهای چشائی موجود در آخرین ثلث قدامی زبان

بوسیله یک رشته عصب که از عصب وجهی هفتم جدا شده تعصیب میشود که این عصب را " varisberg " مینامند.

درباره راز این مسئله دانشمندان تحقیقات فراوانی را انجام داده اند و به نتایجی رسیده اند که: عصب varisberg یک عصب سرگردان

است که راه خود را گم کرده زیر از یک جهت این عصب، عصب حلقی است و از مبداء شروع از عصب حلقی نشاءت گرفته ولی مسیر را به

این رشته عصب طی نکرده و راهش جدا گشته است و پس از طی مسافت زیادی مجدداً به همراهی عصب وجهی ظاهر شده، وارد استخوان

چکشی و گوش وسطی شده و ازین به بعد با عصب زبانی همراه شده تا اقدام زبان پیش می رود و آنرا تعصیب میکند. در ابتدا کسانیکه تنها به

جزئی از علم این عصب واقف شده بودند میپنداشتند طی کردن این راه طولانی بوسیله این عصب سرگردانی آن بوده و نقصی در خلقت انسان است.

اما امروزه با انجام تحقیقات جدید راز مهمی کشف شد:

آری ورود این عصب به استخوان چکشی و گوش وسطی برای انجام ماء موریت دیگری و نشانه قدرت خداوند بزرگ در آفرینش انسان میباشد نه سرگردان بودن این عصب. بدین ترتیب که اگر بنابه هر علتی فشار داخلی گوش میانی پائین آید پرده صماخ بطرف داخل کشیده شده و برین عصب فشار وارد میسازد این فشار باعث تحریک اعصاب چشائی گردیده و در نتیجه این عمل غدد بزاقی شروع به ترشح بزاق مینماید و شخص ناچار میشود آب دهانش را ببلعد با انجام عمل بلع مقداری هوا وارد گوش وسطی گردیده و بدین ترتیب فشار گوش داخلی مجدداً متعادل میگردد. بعداً این تعادل فشار از طریق عصب **varisberg** ترشح بزاق دهان را متوقف میسازد. این یکی از شگفتی های خلقت انسان بوده و نشانه آنست که خداوند انسان را بصورت کامل و احسن آفریده است.

مراحل خلقت انسان:

ولقد خلقنا الانسان من سلله من طین ○ ثم جعلناه نطفه فی قرارمکین ○ ثم خلقنا النطفه علقه فخلقنا العلقه مضغه فخلقنا المضغه

عظماً فکسونا العظم لحماً ثم انشانه خلقاً اخر فتبرک الله احسن الخلقین ○

(سوره مومنون ۱۲ - ۱۴)

و ما انسان را از عصاره گل خالص آفریدیم، سپس او را نطفه گردانیده و در جای استوار (رحم) قرار دادیم، آنگاه او را علقه (خون بسته) و علقه را مضغه (گوشت پاره)، باز آن گوشت را استخوان و سپس براستخوان ها گوشت پوشانیدیم، سپس از آن خلقی جدید نمودیم، آفرین بر قدرت کامل بهترین آفرینندگان.